

بررسی شاخص‌های نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای دام‌الله

یوسف خواجه امیری^۱

چکیده

نظام ولایی به عنوان الگویی حکومتی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و اسلامی، همواره مورد توجه اندیشمندان و صاحب‌نظران بوده است. این تحقیق به بررسی شاخص‌های نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای می‌پردازد، با این هدف که ابعاد و ویژگی‌های این نظام را در چارچوب تفکر قرآنی و اسلامی تبیین کند. اهمیت این تحقیق در آن است که می‌تواند الگویی کاربردی برای نظام‌های سیاسی مبتنی بر ارزش‌های دینی ارائه دهد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق بررسی آثار، سخنرانی‌ها و بیانات امام خامنه‌ای استخراج و سپس با رویکردی تحلیلی، شاخص‌های نظام ولایی در اندیشه ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نظام ولایی در اندیشه امام خامنه‌ای، ریشه در آموزه‌های الهی و قرآنی دارد و بر اساس اراده‌ی خداوند شکل می‌گیرد. در این نظام، قوانین و تصمیم‌ها بر اساس معیارهای الهی و اسلامی تنظیم می‌شود. مشارکت مردم در چارچوب ارزش‌های دینی و اسلامی، یکی از ارکان اصلی نظام ولایی است. نظام ولایی باید توانایی پاسخگویی به نیازهای جامعه و حل مشکلات را داشته باشد. انتخاب افراد بر اساس شایستگی‌های علمی، اخلاقی و دینی، از اصول مهم این نظام است. در نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که نظام ولایی در اندیشه امام خامنه‌ای، ترکیبی از اصول الهی و مردمی است که می‌تواند الگویی برای حکومت‌های دینی در جهان معاصر باشد.

واژگان کلیدی: نظام ولایی، امام خامنه‌ای، محوریت معیارهای الهی، مردم‌سالاری دینی، کارآمدی،

شایسته‌سالاری.

^۱ - دانش پژوه دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه. YKHAJEHAMIRI@GMAIL.COM

مقدمه

در بیانات امام خامنه‌ای، اهداف انقلاب اسلامی به مراحل پنج‌گانه‌ای تقسیم شده‌اند که پس از ۴۴ سال از پیروزی انقلاب، هنوز در مرحله سوم، یعنی نظام ولایی، قرار داریم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۶). برای رسیدن به هدف عالی انقلاب، یعنی تمدن اسلامی و آمادگی برای ظهور امام زمان (عج)، تحقق نظام ولایی ضروری است. نظام ولایی، نظامی است که بر اساس آموزه‌های اسلام در تمامی حوزه‌ها فعالیت می‌کند و در پی تأمین سعادت دنیوی و اخروی ملت است. کارآمدی چنین دولتی نه تنها انقلاب اسلامی را در میان ملت‌های جهان عمق می‌بخشد، بلکه پایه‌های تمدن نوین اسلامی را نیز استوار می‌سازد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۵۸). با این حال، تحقق نظام ولایی به دلیل عدم ایجاد تشکیلات مدیریتی اسلامی با تأخیر مواجه شده است. به تعبیر ایشان، ما هنوز در مرحله دولت اسلامی مانده‌ایم و تا رسیدن به نظام ولایی فاصله زیادی داریم (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ص ۲۶).

دولت‌ها از ساختارها و کارگزاران تشکیل می‌شوند، و در نظام ولایی، نقش کارگزاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از منظر امام خامنه‌ای، کارگزاران نظام ولایی تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف نظام دارند. کوتاهی‌ها، رفتارهای سلیقه‌ای، ناتوانی‌ها و کمبودهای کارگزاران می‌تواند صدمات بزرگی به جامعه وارد کند. ایشان تأکید می‌کنند که اشتباهات کارگزاران، به دلیل جایگاه و مسئولیت‌هایشان، پیامدهای گسترده‌تری نسبت به اشتباهات افراد عادی دارد و می‌تواند شکاف‌های عمیقی در جامعه ایجاد کند (بیانات در جمع دانشجویان، ۱۳۸۸/۰۳/۰۱). بنابراین، کارگزاران نظام ولایی باید از شاخص‌های خاصی برخوردار باشند تا بتوانند به‌درستی مسئولیت‌های خود را انجام دهند و در مسیر تحقق نظام ولایی گام بردارند.

مفهوم ولایت در اندیشه امام خامنه‌ای شامل سه سطح اصلی است: حفظ پیوندهای داخلی بین مؤمنان، قطع وابستگی به قطب‌های خارجی، و حفظ ارتباط عمیق با قلب امت اسلامی (امام و رهبر) (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۴۳۹). این سطوح در شکل‌گیری جامعه اسلامی نقش کلیدی دارند. کارگزاران نظام ولایی باید به‌عنوان مؤمنانی که برای انجام وظایف معین انتخاب شده‌اند، این سطوح را در عمل پیاده کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: صص ۴۰۹-۴۱۲).

در این پژوهش، شاخصه‌های نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. ویژگی‌های کارگزاران نظام ولایی که در ارتباط مستقیم با سه سطح مفهوم ولایت هستند، یعنی ارتباط عمیق

قلبی با ولی (ولایت الله، ولایت پیامبر(ص) و ولایت ائمه اطهار(ع))، پیوستگی بین مؤمنان و نفی ولایت دشمنان (طاغوت)، تحلیل شده‌اند. این شاخصه‌ها نه تنها ماهیت کارگزار ولایی را مشخص می‌کنند، بلکه راهکارهای تحقق چنین کارگزارانی را نیز ارائه می‌دهند. کارگزاران ولایی باید به گونه‌ای تربیت شوند که بتوانند در چارچوب ولایت، مسئولیت‌های خود را به درستی انجام دهند و در مسیر تحقق نظام ولایی گام بردارند.

با بررسی منابع موجود، مشخص شد که هیچ مقاله یا کتابی به طور مستقیم به موضوع این تحقیق نپرداخته است، هرچند تحقیقاتی با موضوعات مشابه و کلی‌تر انجام شده‌اند. از جمله این تحقیقات می‌توان به مقاله "شاخصه‌های کارآمدی سیاسی نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه" نوشته احمد راهدار و همکاران (۱۳۹۹)، "نقش ولایت‌محوری در استمرار نظام اسلامی و ولایی" اثر عبدالله حاجی صادقی (۱۴۰۰)، "مؤلفه‌های کارآمدی نظام ولایی در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) (با تأکید بر فطرت انسان)" از نعیم‌آبادی و همکاران (۱۴۰۱)، و "ملاک‌های تحقق شاخصه‌های کارآمدی نظام ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران بر اساس مقادورات و موانع" نوشته موسوی شربیانی و همکاران (۱۴۰۲) اشاره کرد. این پژوهش‌ها اگرچه به موضوعات مرتبط پرداخته‌اند، اما به طور خاص به شاخصه‌های نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نپرداخته‌اند.

بنابراین، این تحقیق با رویکردی جدید و متمایز، به بررسی شاخصه‌های نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) می‌پردازد. با توجه به خلأ موجود در ادبیات پژوهشی، این مطالعه به عنوان یک رهیافت نوین در این حوزه تلقی می‌شود و درصدد است تا با تحلیل دقیق بیانات و اندیشه‌های مقام معظم رهبری، ابعاد مختلف نظام ولایی را در چارچوب قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی تبیین کند. این پژوهش نه تنها به غنای ادبیات موجود در این حوزه کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به عنوان مرجعی برای تحقیقات آینده در زمینه نظام ولایی و کارآمدی آن در جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

پس در این پژوهش، نگارنده در پی پاسخ به این پرسش است که "شاخصه‌های نظام ولایی در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای (مدظله العالی)" چیست؟ با به کارگیری روش "توصیفی-تحلیلی"، مهم‌ترین شاخصه‌های نظام ولایی با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار می‌گیرد تا با بررسی

دقیق این شاخصه‌ها، نقش نظام ولایی را در تحقق اهداف عالی انقلاب اسلامی و آماده‌سازی جامعه برای ظهور امام زمان (عج) روشن سازد.

شاخص‌های نظام ولایی

۱. ریشه‌های الهی نظام ولایی

توحیدگرایی و معنویت‌گرایی به عنوان دو محور اساسی، ریشه‌های الهی نظام ولایی را شکل می‌دهند. توحیدگرایی، با تأکید بر یگانگی خداوند و حاکمیت مطلق او بر جهان، اساس مشروعیت و جهت‌گیری نظام ولایی را تعیین می‌کند. این اصل، نظام را از هرگونه شرک و انحراف مصون می‌دارد و آن را در مسیر عدالت و حق‌مداری هدایت می‌کند. از سوی دیگر، معنویت‌گرایی، با تکیه بر تقرب به خداوند و رنگ‌آمیزی تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی با ارزش‌های الهی، به نظام ولایی عمق و غنای درونی می‌بخشد. این دو محور، نه تنها به عنوان اصول نظری، بلکه به عنوان نیروی محرکه‌ای عمل می‌کنند که نظام ولایی را در مسیر تحقق اهداف الهی و خدمت به بشریت قرار می‌دهند. به تعبیر قرآن کریم، «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (انعام/۱۶۲)، نظام ولایی با تکیه بر این اصول، جامعه‌ای را شکل می‌دهد که در آن، انسان‌ها به سوی کمال معنوی و سعادت ابدی حرکت می‌کنند.

۱.۱. توحیدگرایی

توحید به معنای اعتقاد به یگانگی و یکتایی خداوند است و به سه بخش اصلی تقسیم می‌شود: توحید ذاتی، توحید صفاتی و توحید افعالی. توحید افعالی خود به سه بخش کلی شامل توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت و توحید در مالکیت تقسیم می‌گردد. توحید در ربوبیت نیز دارای فروع و شئون متعددی است که عبارتند از توحید در ولایت و حاکمیت، توحید در تشریع، توحید در اطاعت، توحید در عبادت، توحید در استعانت، توحید در محبت، توحید در مغفرت و شفاعت، و توحید در خوف و رجا (سبحانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۰۵). تفاوت این فروع و شئون با یکدیگر و با خود توحید در ربوبیت، از حیث مفهوم است نه مصداق، زیرا مصداق تمام این فروع و شئون، همان خداوند خالق و رب است که ربوبیت خود را از جنبه‌های مختلف اعمال می‌کند. پس از آفرینش عالم، تدبیر و اداره آن مطرح می‌شود و خداوند برای اعمال ربوبیت و تدبیر عالم از سازوکارهای متفاوتی استفاده می‌کند که باعث اعتبار فروع و شئون مختلف ربوبیت می‌گردد. این فروع و شئون از لوازم ربوبیت محسوب می‌شوند، اما مهم‌ترین شئون توحید در ربوبیت،

توحید در تشریع (حق قانون‌گذاری) و توحید در حاکمیت و ولایت (حق سرپرستی) است. یکی از محققان در این باره می‌نویسد: «ان التوحید فی الحاکمیه من شئون التوحید فی الربوبیه» (سبحانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۷۳).

حاکمیت و ولایت انحصاری خداوند که به معنای حق سرپرستی اوست، به دو شکل ولایت تکوینی و ولایت تشریعی تحقق می‌یابد. ولایت تکوینی به تصرف و تأثیرگذاری خداوند در طبیعت و امور تکوینی اشاره دارد، در حالی که ولایت تشریعی به تصرف و تأثیرگذاری خداوند در امور اعتباری و مرتبط با انسان و حیات انسانی مربوط می‌شود. علامه طباطبائی در این باره می‌نویسد: «هی القیام بالتشریع و الدعوه و التریبه للامه و الحکم فیهم و القضاء فی امرهم» (طباطبائی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۶). ولایت تشریعی شامل قانون‌گذاری، دعوت، تربیت، حکومت و قضاوت در امور انسانی است و بازگشت آن به ربوبیت تشریعی خداوند است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز با استناد به آیات قرآنی، تأکید می‌کند که قوانین جامعه و روابط فردی و اجتماعی انسان‌ها باید از خدا الهام بگیرد، زیرا تنها خداوند حق امر و نهی و تعیین خط مشی زندگی انسان‌ها را دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۷۶).

در راستای تبیین بیشتر این موضوع، می‌توان به آیات قرآنی استناد کرد. آیه ۹ سوره شورا می‌فرماید: «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَإِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه بیان می‌کند که ولی مطلق خدا است، زیرا تنها او قادر به زنده کردن مردگان و اداره همه شئون زندگی است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۸). همچنین آیه ۱۶ سوره رعد می‌فرماید: «قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ أَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا». این آیه تأکید می‌کند که تنها خداوند پروردگار آسمان‌ها و زمین است و هیچ سرپرستی جز او نمی‌تواند سود یا زیانی به خود برساند. مکارم شیرازی در تفسیر این آیه می‌نویسد که خالقیت جهان نشانه حاکمیت بر آن است و حاکمیت بر جهان دلیل بر توحید ولی و شفیع است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۲، ج ۱۷: ۳۷۲).

آیه ۳۱ سوره یونس نیز می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ». آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه بیان می‌کند که اگر تدبیر تکوینی عالم به دست خداوند است، چرا تدبیر تشریعی

نیز به دست او نباشد؟ (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۳۳). این آیات نشان می‌دهند که ولایت تشریعی خداوند با امامت رابطه تنگاتنگی دارد، زیرا ولایت تشریعی خداوند جز از طریق امام مأذون اعمال نمی‌شود.

با توجه به مبانی توحیدی جامعه ولایی و پیوند بین ولایت تشریعی خدا و امام، این سؤال مطرح می‌شود که امام چگونه می‌تواند ولایت تشریعی خداوند را در جامعه ولایی اجرا کند؟ به نظر می‌رسد که بین امامت و حکومت رابطه تنگاتنگی وجود دارد، زیرا ولایت و امامت که همان تدبیر تشریعی جامعه ولایی است، جز از طریق تشکیل حکومت توسط ولی مأذون الهی میسر نمی‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گوید که جامعه ولایی نیازمند امام و حکومت ولایی است، زیرا تنها در چنین جامعه‌ای قوانین الهی به درستی اجرا می‌شوند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۵۶۴). جامعه ولایی با امام و حکومت ولایی زنده و پویاست، در غیر این صورت جامعه‌ای مرده و ظلمانی خواهد بود.

ولایت تشریعی خداوند در جامعه ولایی با دو شرط تحقق می‌یابد: ابلاغ تشریع الهی و اجرای تشریع الهی. ابلاغ تشریع الهی از طریق انبیاء و انسان‌های کامل صورت می‌گیرد، زیرا خداوند مستقیماً با انسان‌ها ارتباط برقرار نمی‌کند. ملاصدرا در این باره می‌نویسد که قانون‌گذار باید انسان باشد، زیرا فرشته نمی‌تواند مستقیماً تربیت انسان را بر عهده بگیرد (ملاصدرا، ۱۳۸۸ق: ص ۳۶۰). اجرای تشریع الهی نیز بدون وجود امام و تشکیل حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست. علامه طباطبائی تأکید می‌کند که خداوند به شکل انسان‌ها در نمی‌آید تا بر آن‌ها حکومت کند، بلکه این کار را از طریق افرادی خاص به نام امام انجام می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۹: ۱۹). آیت‌الله خامنه‌ای نیز می‌گوید که جامعه ولایی به حاکمی از جنس بشر نیاز دارد که قوانین الهی را اجرا کند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ص ۵۷۷).

حکومت ولایی در اسلام بر خاستگاه الهی استوار است و برخلاف نظام‌های غربی مبتنی بر "قرارداد اجتماعی"، حقوق الهی مبنای حقوق سیاسی و اجتماعی است. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید می‌کنند که مردم‌سالاری دینی بر حق و تکلیف الهی استوار است و پیشرفته‌تر از دموکراسی غربی است (بیانات در مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴). در اسلام، ولایت تنها با اذن الهی و شرایطی مانند عدالت و تقوا قابل اعمال است و مردم نیز باید آن را بپذیرند (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۶). سرپرستی جامعه در اسلام تنها متعلق به خداست و هیچ انسانی حق

تصمیم‌گیری درباره سرنوشت دیگران را ندارد (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران در سالروز عید غدیر، ۱۳۶۹/۴/۲۰).

۲.۱. معنویت‌گرایی

معنویت در اسلام، فراتر از یک مفهوم محدود و فردی است و به تمامی ابعاد وجودی انسان، از فردی تا اجتماعی، مرتبط می‌شود. این مفهوم، ریشه در ایمان به خدا، ارزش‌های اخلاقی همچون صداقت و مهربانی، و تلاش برای تقرب به خداوند دارد. قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت (ع)، به عنوان سرچشمه‌های اصلی معنویت اسلامی، این مفهوم را به عنوان هسته مرکزی دین معرفی می‌کنند. معنویت اسلامی با توحید گره خورده و به انسان می‌آموزد که همه اعمال و افکار او باید با نیت خالص و برای رضای خدا باشد (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶: ص ۱۱۸). این نگاه، معنویت را به عنوان یک اصل فراگیر و پویا در زندگی انسان مطرح می‌کند که نه تنها به امور فردی محدود نمی‌شود، بلکه به جامعه و تمدن نیز گسترش یافته و به عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد و تعالی انسان عمل می‌کند.

قرآن کریم معنویت را به عنوان یک اصل پویا و فراگیر معرفی می‌کند که تمامی ابعاد زندگی انسان، از عبادت و کار تا سیاست و اجتماع، را در بر می‌گیرد. آیاتی مانند «قُلْ إِنَّمَا أُعْطِیْتُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ خِزْفَةٍ» (سبأ/۴۶) نشان می‌دهند که معنویت در اسلام به معنای رنگ‌آمیزی همه جنبه‌های زندگی با رنگ الهی است. این نگاه، معنویت را فراتر از امور فردی قرار داده و آن را به عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد و تعالی انسان در سطح جامعه و تمدن مطرح می‌کند. معنویت قرآنی، نه تنها به فرد آرامش و سعادت می‌بخشد، بلکه به جامعه نیز انسجام و پیشرفت می‌آورد. آیاتی مانند «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَیَاةً طَیِّبَةً» (نحل/۹۷) نشان می‌دهند که معنویت، به همه انسان‌ها، بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد یا طبقه اجتماعی، تعلق دارد. این معنویت، پویا و رو به رشد است و انسان را به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد. آرامش درونی حاصل از معنویت، آرامشی فعال و پویا است که انسان را برای خدمت به جامعه و بشریت آماده می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۹، ص ۲۷۲). معنویت قرآنی، با تأکید بر عمل صالح و ایمان به خدا، زندگی انسان را به سمت معنا و هدفمندی سوق می‌دهد. این معنویت، نه تنها به فرد آرامش و سعادت می‌بخشد، بلکه به جامعه نیز انسجام و پیشرفت می‌آورد و تمدنی مبتنی بر ارزش‌های انسانی و الهی را شکل می‌دهد. به تعبیر علامه طباطبایی (ره)، «قرآن در قالب علم و عمل، انسان را در قالب

و چارچوب جدیدی قرار می‌دهد و به او ساختار جدیدی می‌بخشد؛ در پی این دگرگونی، انسان به حیاتی دست می‌یابد که هرگز مرگ در آن راه ندارد» (همان). این نگاه، معنویت را به عنوان نیروی محرکه‌ای برای رشد و تعالی فرد و جامعه معرفی می‌کند.

مقام معظم رهبری، معنویت را به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی نظام ولایی مطرح می‌کنند و معتقدند که هدف اصلی نظام اسلامی، تحول درونی انسان‌ها و رسیدن به رشد معنوی است. در این نظام، انسان از حالت مادی‌گرایی خارج شده و به سوی معنویت و خداپرستی حرکت می‌کند، به طوری که آرزوها و ارزش‌های مادی جای خود را به ارزش‌های والای انسانی و الهی می‌دهند (بیانات در دیدار زائرین و مجاورین حرم مطهر رضوی، ۱۳۷۰/۰۱/۰۲). این نگاه، معنویت را به عنوان موتور محرکه جامعه اسلامی معرفی می‌کند که می‌تواند جامعه‌ای پویا، پیشرو و عدالت‌خواه را شکل دهد و در مسیر تحقق اهداف متعالی الهی گام بردارد.

در اندیشه امام خامنه‌ای، معنویت و سیاست از هم جدا نیستند و به عنوان دو عنصر مکمل در نظام ولایی عمل می‌کنند. ایشان با تأکید بر مکتب سیاسی امام خمینی (ره)، معتقدند که سیاست صرفاً یک ابزار برای رسیدن به قدرت نیست، بلکه ابزاری برای تحقق ارزش‌های الهی و خدمت به مردم است. در نظام ولایی، تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باید بر اساس ایمان و ارزش‌های دینی صورت پذیرد. هدف از تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد جامعه‌ای است که در آن، انسان‌ها به کمال معنوی دست یابند و زندگی خود را بر مبنای اصول الهی سامان دهند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۹/۰۱/۱۰). این نگاه، معنویت را به عنوان شاخصه‌ای کلیدی در نظام ولایی تثبیت می‌کند و نشان می‌دهد که سیاست در این نظام، نه تنها به دنبال تأمین منافع مادی است، بلکه در خدمت تحقق اهداف متعالی الهی قرار دارد. مقام معظم رهبری با تأکید بر این اصل، نظام ولایی را به عنوان الگویی معرفی می‌کنند که در آن، معنویت و سیاست در هم تنیده شده‌اند و به عنوان نیروی محرکه‌ای برای پیشرفت جامعه عمل می‌کنند. این رویکرد، نظام ولایی را از سایر نظام‌های سیاسی متمایز کرده و آن را به سوی ایجاد جامعه‌ای عدالت‌خواه و الهی سوق می‌دهد.

۲. مردم سالاری دینی

ویژگی اصلی نظام‌های دموکراتیک، مشارکت مردم در اداره امور کشور برای جلوگیری از استبداد و تحقق آزادی‌هاست. امام خامنه‌ای بر نقش کلیدی مشارکت سیاسی مردم در کارآمدی حکومت اسلامی تأکید کرده و انتخاب ولی فقیه را به دو شیوه بیان می‌کند: انتخاب توسط اکثریت مردم یا منتخبان مردم مانند مجلس خبرگان (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۱۰۸). در روایات اسلامی نیز بر مشاوره با مردم تأکید شده است، مانند فرمایش امام علی (ع) در نهج‌البلاغه: «مَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرِّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا» (نهج‌البلاغه، حکمت ۱۶۱). مسئولان باید با مراجعه به متخصصان متعهد، گام‌های مؤثری برای کارآمدی نظام بردارند.

مسئله جدایی دین از سیاست یکی از مباحث ریشه‌دار در تاریخ اندیشه بشری است. با این حال، در بینش توحیدی قرآن کریم و دین اسلام، چنین تنگناهایی که غربی‌ها در رابطه با دین و سیاست با آن مواجه شده‌اند، وجود ندارد. اسلام با نگاهی کل‌نگر و توحیدی، هیچ بخشی از زندگی را خارج از دایره آموزه‌های دینی قرار نمی‌دهد (نوروزی، ۱۳۹۱: ۳۵-۳۶). خداوند در قرآن کریم درباره نقش پیامبران به عنوان نمایندگان خود در زمین می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، آیه ۲۵). این آیه نشان می‌دهد که خداوند برای برقراری عدالت در جامعه و تحقق مردم‌سالاری دینی، قوانینی را از طریق پیامبران و کتاب‌های آسمانی نازل کرده است تا مردم بتوانند با استفاده از این آموزه‌ها، دنیایی آباد و عادلانه بسازند (نوروزی، ۱۳۹۱: ص ۳۷).

در قرآن کریم، تأکید فراوانی بر نقش گسترده مسلمانان در امور سیاسی شده است. برای نمونه، آیه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال، آیه ۶۴) بیانگر این است که خداوند و مؤمنانی که از پیامبر پیروی می‌کنند، پشتیبان او هستند. این آیه و دیگر آیات قرآن، نقش فعال و فراگیر مسلمانان در تحقق موازین دینی را مورد تأکید قرار می‌دهند. همچنین آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شوری، آیه ۳۸) حق مشارکت عمومی مسلمانان در تصمیم‌گیری‌ها را به رسمیت می‌شناسد (نوروزی، ۱۳۹۱: ص ۳۹). این آیات نشان می‌دهند که مشارکت سیاسی در اسلام نه تنها مجاز، بلکه ضروری است.

مردم‌سالاری دینی بر سه پایه بنیادین استوار است: خردورزی، قانون‌مداری و عدالت‌محوری. در این نظام، حاکمیت قوانین برخاسته از اراده جمعی است و عقل جمعی قادر به تشخیص حق از باطل و خیر از شر دانسته می‌شود. با این حال، در نگاه اسلامی، قانون‌گذاری باید تابع شریعت آسمانی باشد و تنها خداوند

به عنوان قانون‌گذار مطلق شناخته می‌شود. از این رو، انسان در اندیشه اسلامی نیازمند هدایت عقل قدسی و پیشوای معصوم (ع) است. فلسفه بعثت انبیاء و دعوت دینی آنان نیز بر همین اساس شکل گرفته است (عیوضی، ۱۳۸۹: ص ۲۹۸).

مردم‌سالاری دینی در اسلام ترکیبی از مشارکت مردمی و هدایت الهی است که بر عدالت، قانون‌مداری و نقش فعال مردم در اداره جامعه تأکید دارد. مقام معظم رهبری بیان می‌کنند که مردم‌سالاری دینی با دمکراسی‌های رایج دنیا در بنیاد و مشروعیت متفاوت است و در آن قدرت‌طلبی و استفاده از هر وسیله برای کسب قدرت وجود ندارد (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۱/۱۲/۱۳).

۳. کارآمدی نظام

کارآمدی به معنای «میزان نیل به اهداف تعیین‌شده» (الوانی و همکاران، ۱۳۸۳: ص ۱۱۱) و «میزان موفقیت در تحقق هدف‌ها و انجام مأموریت‌ها» (معینی، ۱۳۷۰: ص ۱۵۵) است. در دانش مدیریت، کارآمدی به شایستگی در تأمین اهداف و کارآیی در مصرف منابع تعریف می‌شود (رضائیان، ۱۳۷۹: ص ۱۹). در نظام ولایی، کارآمدی به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها مطرح است، زیرا عدم توجه به آن به معنای عدم تحقق اهداف نظام است. نظام ولایی، با تکیه بر دستورات الهی، باید بتواند اهداف متعالی خود را در عرصه‌های مختلف محقق کند.

در اندیشه مقام معظم رهبری، کارآمدی نظام ولایی با مؤلفه‌هایی نظیر خداباوری، ولایت‌محوری، مردم‌باوری و موعودگرایی گره خورده است. ایشان تأکید می‌کنند که نظام ولایی باید با تکیه بر عزت الهی و ایمان به وعده‌های خداوند، مسیر پیشرفت را طی کند: «ما قوی هستیم و به عزت پروردگار عزیزیم؛ ما اگر مؤمن باشیم، عزت متعلق به ماست» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و دانشگاهیان، ۹۱۳۶۸/۰۳/۲۳). این نگاه، کارآمدی را به عنوان یکی از ارکان مشروعیت نظام ولایی معرفی می‌کند.

ولایت‌محوری در نظام ولایی به معنای هماهنگی تمامی سیاست‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌ها با دستورات و سیره معصومین (ع) است. مقام معظم رهبری با تأکید بر الگوگیری از سیره حضرت علی (ع)، می‌فرمایند: «باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه کامل نزدیک و شبیه‌تر کنیم» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۰۳/۳۰). این هماهنگی، تضمین‌کننده کارآمدی نظام در تحقق اهداف متعالی است.

مقام معظم رهبری همواره بر جایگاه مردم در نظام ولایی تأکید کرده و می‌فرمایند: «نظام ما نظامی است متکی به ایمانها و عواطف و علایق مردم. اساساً سرّ شکست‌ناپذیری این نظام این است که به مردم متکی است» (بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴). این مردم‌باوری، نه تنها به مشروعیت نظام می‌افزاید، بلکه کارآمدی آن را در پاسخگویی به نیازهای جامعه تضمین می‌کند.

در اندیشه مقام معظم رهبری، انتظار فرج و اعتقاد به ظهور امام زمان (عج) به عنوان پایه‌ای برای کارآمدی نظام ولایی مطرح است. ایشان می‌فرمایند: «ما که منتظر امام زمان هستیم، باید در جهتی که حکومت امام زمان (عج) تشکیل خواهد شد، زندگی امروز را در همان جهت بسازیم» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۷). این نگاه، کارآمدی نظام را در راستای آماده‌سازی جامعه برای حکومت جهانی امام زمان (عج) تعریف می‌کند و آن را به عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی نظام ولایی معرفی می‌نماید.

کارآمدی در نظام ولایی، با تکیه بر مؤلفه‌هایی نظیر خدا‌باوری، ولایت‌محوری، مردم‌باوری و موعودگرایی، به عنوان یکی از شاخصه‌های کلیدی مطرح است. این کارآمدی، نه تنها به معنای تحقق اهداف مادی، بلکه به معنای حرکت در مسیر اهداف متعالی الهی و آماده‌سازی جامعه برای حکومت جهانی امام زمان (عج) است. مقام معظم رهبری با تأکید بر این شاخصه، کارآمدی را به عنوان شرط مشروعیت و موفقیت نظام ولایی معرفی می‌کنند.

۴. شایسته‌سالاری

شایستگی به معنای داشتن توانایی، مهارت، دانش و صلاحیت است. در مدیریت و منابع انسانی، شایستگی مجموعه‌ای از دانش، مهارت‌ها، ویژگی‌های شخصیتی و تجارب است که فرد را قادر می‌سازد در سطحی بالاتر از حد متوسط در انجام وظایف خود موفق شود (نصر اصفهانی، ۱۳۸۹). شایسته‌سالاری، فلسفه‌ای مدیریتی است که بر مبنای آن، افراد بر اساس توانایی‌ها و تلاش‌هایشان در جایگاه‌های مناسب قرار گرفته و ارتقا می‌یابند. در این نظام، بهره‌هوشی و تلاش فرد، ملاک اصلی برای سنجش شایستگی او به حساب می‌آید (گلکار و ناصحی‌فر، ۱۳۸۱).

این اصطلاح برای اولین بار توسط مایکل یانگ، جامعه‌شناس انگلیسی، در سال ۱۹۸۵ در کتاب "طلوع شایسته‌سالاری" مطرح شد. یانگ آینده جامعه را ترکیبی از هوش و تلاش افراد می‌داندست (قربان‌پناه، ۱۳۸۷).

ص ۵). در نظام‌های مبتنی بر شایستگی، انتخاب افراد برای تصدی پست‌ها و مسئولیت‌ها بر اساس صلاحیت‌های فنی و مدیریتی آنان صورت می‌گیرد (سیدنقوی و عباس‌زاده، ۱۳۸۸: ص ۱۵۰). افراد با تکیه بر استعدادها و تلاش‌های خود می‌توانند در سطوح مختلف سازمانی ارتقا یافته و به موفقیت دست یابند (حسنی، ۱۳۸۹: ص ۱۲). انتخاب افراد شایسته برای تصدی پست‌های سازمانی، فواید متعددی به همراه دارد، از جمله افزایش خلاقیت و نوآوری، افزایش بهره‌وری، ایجاد انگیزه و تعهد، و کاهش فساد و تبعیض (رنجبریان، ۱۳۸۳: ص ۳۲). بنابراین، نظام شایسته‌سالاری، نظامی عادلانه و کارآمد است که می‌تواند منجر به ارتقای سطح عملکرد سازمان‌ها و جوامع شود.

در آموزه‌های قرآنی، جایگاه ویژه‌ای برای شایسته‌سالاری در نظر گرفته شده است. عدالت، به عنوان یکی از بنیادی‌ترین اصول دین اسلام، هم‌معنای شایسته‌سالاری است. تحقق عدالت، به معنای قرار گرفتن هر چیز در جایگاه درست خود است. خداوند متعال، حاکمیت و زمامداری بر زمین را حق شایستگان و صالحان می‌داند (انبیاء: ۱۰۵). داستان حضرت یوسف، نمونه‌ای از شایسته‌سالاری در نظام مدیریتی و حیانی است. هنگامی که یوسف از زندان آزاد می‌شود، عزیز مصر به دنبال واگذاری مسئولیتی به او می‌گردد. یوسف با توجه به آگاهی و توانایی خود، تقاضای سرپرستی خزائن را می‌کند و این مسئولیت را به نحو احسن انجام می‌دهد (قربان‌پناه، ۱۳۸۷: ص ۱۰).

از نظر قرآنی، سنت الهی بر واگذاری امور به شایستگان است (انعام: ۱۲۴). مسئولیت‌ها، اماناتی الهی هستند (نساء: ۵۸) و این امانت‌ها، صرفاً به مسائل مالی محدود نمی‌شوند، بلکه شامل مسئولیت‌ها، منصب‌ها و رهبری جامعه نیز می‌شوند. آیات متعددی بر لزوم سپردن امور به دست شایستگان تأکید دارند. طبق این آیات، زمین را به شایستگان آن واگذار می‌خواهد شد (انعام: ۱۲۴). با بررسی آیات قرآنی، مشخص می‌شود که شایستگی، صرفاً به داشتن مهارت و تخصص محدود نمی‌شود، بلکه تعهد و تقوا نیز از ارکان اساسی آن به حساب می‌آیند. همان‌طور که در داستان حضرت موسی (ع) و حضرت شعیب (ع) آمده است، علاوه بر قدرت و توانایی در انجام امور، امانت‌داری و تعهد به ارزش‌های الهی نیز از مهم‌ترین شرایط یک مدیر هستند. بنابراین، در نظام مدیریتی قرآنی، شایستگی به معنای واقعی آن، زمانی محقق می‌شود که فرد علاوه بر تخصص و مهارت لازم، تعهد و تقوای کافی برای انجام وظایف خود را نیز داشته باشد.

افزون بر آن، آموزه‌های دینی نیز بر لزوم به کارگیری افراد شایسته در مسئولیت‌ها تأکید دارند. سپردن اموال و ثروت‌ها به دست افراد نالایق و بی‌تدبیر، ضایع کردن سرمایه‌ها و از بین بردن منافع جامعه است. اموال و ثروت‌ها، اماناتی الهی هستند که باید در جهت آبادانی و پیشرفت جامعه به کار گرفته شوند (نساء: ۵). منعی که در این آیه در سپردن اموال به دست سفیهان بیان شده، باید مورد توجه مدیران در اعطای مسئولیت‌ها به افراد قرار گیرد. سپردن هر مسئولیتی به فردی که شایستگی و توانایی لازم را برای انجام آن ندارد، نه تنها به ضرر آن مسئولیت خاص، بلکه به ضرر کل جامعه خواهد بود. حضور افراد نالایق در مسئولیت‌ها، موجبات اتلاف منابع، هدر رفتن سرمایه‌ها و از بین رفتن فرصت‌ها را فراهم می‌کند. در مقابل، انتخاب افراد شایسته و متخصص برای تصدی پست‌های مدیریتی، به افزایش کارایی، بهره‌وری و پیشرفت جامعه کمک می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۴، ص ۱۷۰).

از منظر مقام معظم رهبری، «تغییر و تحول در هر نظامی باید متکی به اصول باشد. حتی نگاه دوباره، نوسازی و بازسازی نیز باید ناظر به اصول اسلامی باشد. برای مثال، شایسته‌سالاری و عدالت باید به گونه‌ای تحقق یابند که با اصول اسلامی هماهنگ باشند. در زمینه شایسته‌سالاری، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که در فتح مکه، ایشان یک جوان نوزده‌ساله را به عنوان حاکم مکه منصوب کردند. وقتی برخی به دلیل سن کم او اعتراض کردند، پیامبر فرمودند: «لَا يَحْتَجُّ مُحْتَجٌّ مِنْكُمْ فِي مَخَالَفَةِ بَصِغَرِ سَنَةٍ»؛ یعنی کم بودن سن، استدلال درستی برای مخالفت نیست. ایشان تأکید کردند که برتری افراد به سن آنها نیست، بلکه به شایستگی‌هایشان است. این اصل شایسته‌سالاری باید در تمام نهادهای جمهوری اسلامی، از قوه مجریه و مقننه تا قوه قضائیه و نیروهای مسلح، رعایت شود. انتخاب افراد باید بر اساس صلاحیت‌ها و معیارها باشد، نه بر اساس امیال شخصی.» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴)

از نگاه امام خامنه‌ای، «آفت اصلی در نظامی که متکی به آراء و ایمان مردم است، این است که مسئولین به فکر رفاه شخصی و جمع‌آوری ثروت برای خود بیفتند. امام خمینی (ره) همواره مسئولین را از اشرافی‌گری و مال‌اندوزی برحذر می‌داشت و تأکید می‌کرد که باید با مردم ارتباط نزدیک داشته باشند. ایشان اصرار داشتند که خدمات عمومی به تمام نقاط کشور، حتی مناطق دورافتاده، برسد. امام همچنین بر انتخاب مسئولین از میان مردم و دوری از وابستگی‌های فامیلی و شخصی تأکید می‌کردند. این نگاه امام به

عدالت و شایسته‌سالاری، بخشی از خط مشی ایشان بود که باید همواره مورد توجه قرار گیرد.» (بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۴/۰۳/۱۳۹۰).

همچنین از نگاه رهبری، «در مقایسه با مدیریت‌های سیاسی دنیای امروز، اسلام مدیریتی از نوع مدیریت امیرالمؤمنین (ع) را برای سعادت بشریت ضروری می‌داند. امیرالمؤمنین (ع) در زهد، مجاهدت و صبر، شاگرد برجسته پیامبر (ص) بود و این ویژگی‌ها او را به الگویی بی‌بدیل برای مدیریت تبدیل کرد. در نامه‌ای به مالک اشتر، امیرالمؤمنین (ع) تأکید می‌کند که انتخاب کارگزاران باید با آزمایش و بر اساس شایستگی باشد، نه بر اساس دوستی یا خودکامگی. این اصل شایسته‌سالاری باید در تمام سطوح مدیریتی رعایت شود. همچنین، در فعالیت‌های علمی و پژوهشی، باید مراقب بود که مسائل سیاسی تأثیر منفی بر کارها نگذارند، چرا که این امر می‌تواند به خرابی کار بینجامد.» (بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۷/۰۷/۱۳۸۴)

۵. استقلال و عدم وابستگی خارجی

هدف اصلی انقلاب اسلامی، دستیابی به استقلال همه‌جانبه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. سرمایه انسانی و تولید علم به عنوان پایه‌های اصلی این استقلال نقش کلیدی دارند. امام خامنه‌ای استقلال سیاسی را زیربنای استقلال اقتصادی و فرهنگی دانسته و آن را از ارزش‌های اصلی انقلاب می‌داند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۸/۰۱/۱۳۹۷). ایشان همچنین بر پیشرفت‌های اقتصادی ناشی از استقلال سیاسی تأکید کرده‌اند و این پیشرفت‌ها را نشان‌دهنده کارآمدی نظام جمهوری اسلامی می‌دانند.

افراد جامعه ولایی با غیرمؤمنان و کافران مرزبندی دارند و وابسته به آن‌ها نیستند. این افراد تحت فرمان یا تأثیر افکار، اندیشه‌ها و نظریه‌های جبهه مقابل و کسانی که بر ضد آن‌ها می‌اندیشند و عمل می‌کنند، قرار نمی‌گیرند. به عبارت دیگر، پیوند جوهری و وابستگی با کافران معاند و دشمنان راه خدا برقرار نمی‌کنند و آن‌ها را هم‌جبهه خود نمی‌دانند، بلکه آن‌ها را در مقابل خود و به عنوان دشمن و معارض می‌شناسند. البته این به معنای قطع کامل روابط سیاسی و اقتصادی با تمام کفار نیست، بلکه مراد کافرانی است که از لحاظ فکری ضد مؤمنان هستند و هدفشان نابودی دین و ایمان آنان است. این کفار محارب در صورت تسلط، مؤمنان را رها نمی‌کنند و مانع انجام وظایف اسلامی آنان می‌شوند. نمونه عملی این رویکرد را در رفتار

حضرت ابراهیم و یارانش می‌بینیم که به کفار معاصر خود گفتند: «إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ» (ممتحنه/۶)؛ ما از شما بیزاریم. ائمه معصومین نیز چنین رویکردی داشتند. البته این به معنای انزوای سیاسی امت اسلامی نیست، بلکه روابط با کافران غیرمعاند می‌تواند وجود داشته باشد، اما باید به گونه‌ای تنظیم شود که تحت فرمان یا تأثیر افکار آن‌ها قرار نگیرد و وابستگی جوهری ایجاد نکند. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌گویند: «ابراهیم و پیروانش چه کردند؟ شما هم همان کار را بکنید. آن‌ها صاف و صریح به قوم گمراه زمان خود گفتند: ما از شما و خداوندگارتان بیزاریم و به شما کفر می‌ورزیم. میان ما و شما همیشه دشمنی و کینه وجود دارد؛ تنها راه این است که به خداوند یکتا ایمان بیاورید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش، صص ۵۲۹-۵۳۰).

قرآن کریم در آیه ۵۱ سوره مائده نیز درباره نفی وابستگی به غیرمؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ». این آیه مؤمنان را از انتخاب یهود و نصاری به عنوان اولیاء و تکیه‌گاه برحذر می‌دارد و تأکید می‌کند که هرکس با آنان دوستی کند، از آنان محسوب می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه می‌گویند: «ولایت به معنای پیوستگی است. یهود و نصاری را به عنوان پیوستگان و تکیه‌گاه خود انتخاب نکنید. هرکس قدم در وادی ولایت آنان بگذارد، از آنان است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۵۴۵). این بیان نشان می‌دهد که جامعه ولایی باید از هرگونه وابستگی به دشمنان دین اجتناب کند.

در آیه ۱ سوره ممتحنه نیز آمده است: «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ»؛ دشمن من و دشمن خودتان را به عنوان اولیاء انتخاب نکنید. آیت‌الله خامنه‌ای در تفسیر این آیه می‌گویند: «یعنی دشمنان را هم‌جبهه خود ندانید، بلکه آن‌ها را در مقابل خود و به عنوان معارض ببینید» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲ش: ۵۲۵). ایشان همچنین با استناد به آیه ۳۶ سوره نحل که می‌فرماید: «اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»، تفسیر مصداقی‌تری از طاغوت ارائه می‌دهند و می‌گویند: «طاغوت کیست؟ همه ظالمان، پادشاهان خبیث و رؤسای جمهور امروزی مانند آن‌هایی که در آمریکا و برخی کشورهای دیگر هستند، همان طاغوتند» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴ / ۰۱ / ۱۳۹۸). این تفسیر نشان می‌دهد که جامعه ولایی باید از طاغوت و هرگونه نظام ظالمانه دوری کند.

نتیجه‌گیری

نتیجه این تحقیق آن است که نظام ولایی بر دو اصل توحیدگرایی و معنویت‌گرایی استوار است. توحید، با تأکید بر حاکمیت مطلق خداوند، مشروعیت و جهت‌گیری نظام را مشخص می‌کند و از انحراف آن جلوگیری می‌نماید. معنویت نیز با تمرکز بر تقرب به خدا، به نظام عمق و غنای درونی می‌بخشد. این دو اصل، نظام را در مسیر تحقق اهداف الهی و خدمت به بشریت هدایت می‌کنند. ولایت تکوینی و تشریعی، به عنوان شئون توحید در ربوبیت، ابعاد گوناگون حاکمیت الهی را در امور طبیعی و انسانی نشان می‌دهند. مردم‌سالاری دینی، با تأکید بر مشارکت فعال مردم در تعیین سرنوشت خود، یکی از ویژگی‌های برجسته نظام ولایی است. انتخاب ولی فقیه توسط مردم یا نمایندگان آن‌ها، نشان‌دهنده اهمیت نقش مردم در این نظام است. با این حال، حاکمیت نهایی از آن خداوند است و قوانین باید بر اساس شریعت الهی وضع شوند. این ترکیب از مشارکت مردمی و هدایت الهی، نظام ولایی را از دموکراسی‌های صرفاً مادی‌گرا متمایز می‌کند و به آن مشروعیت و کارآمدی می‌بخشد.

کارآمدی در نظام ولایی، فراتر از تحقق اهداف مادی، به معنای حرکت در مسیر اهداف الهی و آماده‌سازی جامعه برای حکومت جهانی امام زمان (عج) است. این کارآمدی با مؤلفه‌هایی نظیر خداباوری، ولایت‌محوری، مردم‌باوری و موعودگرایی گره خورده است. ولایت‌محوری، هماهنگی سیاست‌ها با سیره معصومین (ع) را تضمین می‌کند و مردم‌باوری، مشارکت فعال مردم در اداره امور را تقویت می‌نماید. انتظار فرج نیز نظام را در راستای اهداف متعالی الهی هدایت می‌کند.

شایسته‌سالاری، به عنوان یک اصل اساسی در نظام ولایی، بر انتخاب افراد بر اساس توانایی‌ها، مهارت‌ها و تعهد آن‌ها به ارزش‌های الهی تأکید دارد. این اصل، ریشه در آموزه‌های قرآنی و روایات اسلامی دارد و تضمین‌کننده عدالت و کارآمدی نظام است. شایستگی، فراتر از تخصص، شامل تعهد، تقوا و امانت‌داری نیز می‌شود. انتخاب افراد شایسته، از ائتلاف منابع و هدر رفتن فرصت‌ها جلوگیری می‌کند و به پیشرفت جامعه کمک می‌نماید.

استقلال همه‌جانبه، به عنوان یکی از اهداف اصلی نظام ولایی، بر عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأکید دارد. این استقلال، با تکیه بر سرمایه انسانی و تولید علم، زمینه‌ساز پیشرفت و عزت کشور می‌شود. مرزبندی با غیرمؤمنان و کافران معاند، به معنای حفظ استقلال فکری و عدم

پذیرش سلطه فرهنگی آن‌ها است. این استقلال، نظام ولایی را از وابستگی‌های مخرب رها می‌سازد و به آن امکان می‌دهد تا بر اساس ارزش‌های الهی و منافع ملی عمل کند.

کتابنامه

• قرآن کریم

۱. الوانی، سیدمهدی؛ زاهدی، شمس‌السادات؛ فقیهی، ابوالحسن. (۱۳۸۳). فرهنگ جامع مدیریت. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

۲. امانی، مهدی و همکاران. (۱۳۵۴). لغت‌نامه جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۳. تمنا، سعید. (۱۳۸۷). مبانی جمعیت‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. چاپ پنجم، ص ۵۴.

۴. حسنی، داوود. (۱۳۸۹). به دنبال شایسته سالاری. بانک س ۱۰، ش ۵۰ و ۵۱.

۵. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۲). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. تهران: صهبا.

۶. حسینی خامنه‌ای، سید علی. (۱۳۹۸). دولت اسلامی - دفتر ششم. قم: بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی.

۷. خامنه ای، سیدعلی. بیانات، دسترسی در سایت

[KHAMENEI.I R](HTTPS://WWW.KHAMENEI.I R).

۸. رضائیان، علی. (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت. تهران: سمت.

۹. رنجبریان، رسول. (۱۳۸۳). «تأثیر نیروی انسانی در ارتقای بهره وری در سازمانها». کار و جامعه ش ۵۷.

۱۰. صالحی امیری، رضا و محمدی، سعید. (۱۳۸۹). دیپلماسی فرهنگی. تهران: ققنوس.

۱۱. سبجانی، جعفر. (۱۴۱۱). اللهیات. قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیه.

۱۲. سیدنقوی، میرعلی و حسن عباس زاده. (۱۳۸۸). مدیریت منابع انسانی در بخش دولتی. تهران: مهکامه.

۱۳. شفیعی، محمود. (۱۳۸۵). «مردم‌سالاری دینی در قرآن». در مجموعه مقالات همایش مردم‌سالاری دینی به کوشش محمدباقر خرمشاد. تهران: نشر معارف.

۱۴. شهدادی، هرمز. (۱۳۶۷). کاربرد شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه. تهران: وزارت برنامه و بودجه: مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۷۹). شیعه در اسلام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. عابدی جعفری و رستگار، عباسعلی. (۱۳۸۶). ظهور معنویت در سازمانها؛ مفاهیم، تعاریف، پیش فرضها، الگوی مفهومی. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ش ۵.
۱۸. عیوضی، محمدرحیم. (۱۳۸۹). مقایسه مردم سالاری دینی و لیبرال دموکراسی. تهران: فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد شمار ۲۱.
۱۹. گلکار، بهزاد؛ ناصحی فر، وحید. (۱۳۸۱). مروری بر مفاهیم شایسته سالاری. توسعه مدیریت، شماره ۳۹.
۲۰. مبلغی، عبدالمجید. (۱۳۹۳). «سودمندگرایی سیاسی و مردم سالاری دینی». در نشریه پژوهش سیاست نظری، شماره ۱۵.
۲۱. مشکات، محمد. (۱۳۸۲). «منابع، مبانی و مولفه‌های مردم سالاری دینی». در پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۹ و ۱۰.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی و محمدجواد نوروزی. (۱۳۹۱). مردم سالاری دینی نظریه ولایت فقیه. قم: انتشارات موسسه امام خمینی.
۲۳. معینی، صفرا. (۱۳۷۰). فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات مدیریت و سازمان. تهران: وزارت کشاورزی.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۲). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. ملا صدرا، محمدبن ابراهیم. (۱۳۸۸). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه. تصحیح سیدجلال‌الدین آشتیانی. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۲۶. میراحمدی، منصور. (۱۳۸۸). نظریه مردم سالاری دینی: مفهوم، مبانی و الگوی نظام سیاسی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۲۷. نصر اصفهانی، مهدی؛ نصر اصفهانی، علی. (۱۳۸۹). شایسته سالاری در مدیریت جامعه با تاکید بر

اندیشه های سیاسی امام علی (ع)، معرفت سیاسی، ۲.

۲۸. نوروزی، محمدجواد. (۱۳۹۱). نظام سیاسی اسلام. تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام

خمینی (ره).